

تفسیر پویا از دین، راز رونق اسلام پیشرو

گفت وگویی کوتاه با
امیر حسین، متفکر
مسلمان پاکستانی

ترجمه عابد کانور

امیر حسین در پاکستان متولد شده ولی در سن چهارسالگی به کانادا رفته است. او دکترای خود را از مراکز مطالعات دینی دانشگاه تورنتو با رساله‌ای در مورد انجمن‌های مسلمان در تورنتو دریافت کرده و از سال ۱۹۹۷ به تدریس اسلام و آرایه درس‌هایی درباره دیگر ادیان، در دپارتمان مطالعات دینی دانشگاه ایالت کالیفرنیا در نورثریج مشغول است. گفت وگویی حاضر به انگیزه انتشار کتاب جدید او اسلام، پیشرو: درباره عدالت، جنسیت و کثرت‌گرایی صورت گرفته است.

می‌توانید کمی از ارتباطات با گفت وگویی میان دینی صحبت کنید؟
من از اواخر دهه ۱۹۸۰ هم در کانادا و هم در ایالات متحده با گفت وگویی میان دینی مرتبط بوده‌ام. مدتی منشی بخش کانادایی کنفرانس جهانی دین و صلح بودم. اغلب فعالیت‌های میان دینی‌ام را در کانادا و ایالات متحده با مسیحیان، یهودیان و گروه‌های بومی شمال آمریکا داشته‌ام. یک بخش از کتاب اخیرم تحت عنوان "مسلمانان پیشرو: در باب عدالت، جنسیت و کثرت‌گرایی" که امید صفی ویراستاری آن را به عهده دارد را به مسلمانان و گفت وگویی میان دینی اختصاص داده‌ام.

فکر می‌کنید چگونه روابط میان مسلمانان و پیروان دیگر ادیان می‌تواند بهبود یابد؟ گفت وگویی میان دینی در این راستا باید چه نقشی بر عهده داشته باشد؟ چگونه این گفت وگو می‌تواند در خدمت آرایه راه‌کارهایی به مسلمانان، برای بازنگری دیدگاهشان درباره پیروان دیگر ادیان، به کار گرفته شود؟

به اعتقاد من مسلمانان شمال آمریکا که اعضای یک جامعه اقلیتند، می‌توانند بیشترین میزان همکاری را در این زمینه داشته باشند. ما می‌توانیم به مسلمانانی که در کشورهایی با اکثریت جمعیت مسلمانان زندگی می‌کنند، نشان دهیم چگونه مسلمانان می‌توانند با پیروان دیگر ادیان وارد تعامل شوند. از نظر من ارزش حقیقی گفت وگویی میان دینی همین است که در پی تغییر دین یکدیگر نباشیم بلکه همدیگر را یاری کنیم تا هر یک آن‌چه را در سنت خود معنا دارد و می‌داند، دریابد.

گفت وگویی میان دینی می‌تواند هر صورتی به خود بگیرد. من به عنوان یک تحصیل کرده دانشگاه این امتیاز ویژه را داشته‌ام که مدتی شاگرد ویلفرد کنت ول اسمیت باشم. پسرش، برایان درباره او می‌گفت: "تأکید او در زندگی، آنچه می‌موخت، توصیه می‌کرد و تأثیر می‌پذیرفت، آن بود که در سنت خود پایدار بماند (نه به شکلی جزم‌گرایانه بلکه با روی باز و صادقانه) و از آن‌جا با افراد پیرو سنت‌های دیگر روبه‌رو شود - با آن‌ها گفت وگو کند، به آن‌ها عشق بورزد و تکرر شخصی زندگی را محترم بدارد. او می‌کوشید از طریق تفاوت‌ها پیش رود، نه آن‌که افول کند." من کوشیده‌ام این آموزه را به دانشجویانم منتقل کنم.

من هنگامی که به عنوان یک مسلمان با پیروان دیگر سنن ملاقات می‌کنم و در اتحاد با آن‌ها می‌کوشم به سمت یک جهان بهتر حرکت کنم که در

آن برای انسان بودن نیاز نباشد هزینه‌های خطرناکی پرداخت شود؛ به طور شخصی در گفت وگویی میان دینی درگیر می‌شوم.

علاوه بر این، من فکر می‌کنم صورت‌های "عمومی" اسلام می‌تواند مهمترین نقش را در این زمینه ایفا کند، چرا که در نهایت این عموم مردمند که به طور واقعی در گفت وگویی دشوار میان دینی درگیرند.

فکر می‌کنید مسلمانان در حالی که هنوز به برداشت‌های برآمده از فقه سنتی متمایل‌اند و بر آن بافشاری می‌کنند، می‌توانند فهمی مثبت از دیگر ادیان و پیروان آن‌ها داشته باشند؟ اجتهاد چگونه می‌تواند در مثبت‌تر کردن نگاه مسلمانان به پیروان دیگر ادیان و تعامل بهتر با آنان نقش موثری داشته باشد؟

آن طور که من در قرآن می‌بینم بر عدالت و بخشش و ضرورت غلبه بر ظلم تأکید شده است. به تعبیر یک کانادایی مشهور دیگر، بر پایه‌گذاری یک "جامعه عادلانه" تأکید شده است. من فکر می‌کنم مسلمانان می‌توانند به این شیوه سنتشان را اصلاح کنند. هر سنتی پویاست نه ایستا. برای من به عنوان یک مسلمان کلمات قرآن جاودانه و حقیقی‌اند، عین عبارات خداوندند.

در تأکیدی که در قرآن بر بخشش و عدالت شده است، من به عنوان یک مسلمان راه‌هایی برای تعامل با دیگران می‌یابم و هر چه بیشتر درباره آنان می‌آموزم، بیشتر می‌فهمم که در نهایت، واقعاً دیگری نیستند.

شما شریعت و تمایز میان شریعت مقدس، شریعت تاریخی و فقه را چگونه می‌فهمید؟

همان طور که گفتم، معتقدم خداوند حقایق ویژه‌ای را در قرآن بر ما ظاهر کرده است. به این شکل قرآن (همانند انجیل، گیتا یا هر کتاب مقدس دیگری) یک آیین‌نامه حقوقی نیست. آن آیین‌نامه‌های حقوقی که از قرآن برداشت شده‌اند به وسیله محققان شرعی استخراج گردیده‌اند. این تفسیر انسان از احکام الهی قرآن است که باید هر روزه بازبینی شود تا این اطمینان حاصل آید که در تطابق تام با آن احکام است.

اسلام پیشرو و "مسلمان پیشرو" را چگونه تعریف می‌کنید؟ چگونه صورت‌های دیگر اسلام و مسلمان که خود را در تقابل با این صورت‌ها تعریف می‌کنند، از آن‌ها متمایز می‌شوند؟

من اسلام پیشرو را یک چیز جدید یا مدرن نمی‌دانم. مسلمانان پیشرو یعنی بانیان اسلام پیشرو را افرادی متمایل به خلق جهانی بهتر برای همه ما می‌دانم.

جهانی که در آن انسان بودن خطری نداشته باشد. ما خلق این جهان را به سبب مسلمان بودنمان انجام می‌دهیم و می‌کوشیم بر روی مبانی که به ما عرضه شده، این جهان را به طور مستحکمی بنا کنیم. اما بنده تفسیرانمان از گذشته نیستیم. ما همه زندگان خداوندیم. این همان چیزی است که من اسلام پیشرو می‌دانم. همان طور که ویلفرد کنت ول اسمیت در کتاب "اسلام در تاریخ جدید" می‌گوید: "یک مسلمان حقیقی کسی نیست که به اسلام معتقد باشد - به ویژه اسلام تاریخی - بلکه کسی است که به خدا معتقد است و خود را تسلیم آن‌چه از طریق پیامبر خدا وحی شده است، می‌داند."

این سخنان در سال ۱۹۵۷ منتشر شدند. او در سال ۱۹۶۲ در کتاب "معنا و غایت دین" به این شکل ادامه می‌دهد: "مصیبت اصلی جهان اسلام در عصر جدید آن است که مسلمانان به جای آن‌که بیشترین میزان بیعت را با خدا داشته باشند، آن را وقف چیزی که اسلام می‌خوانند، نمودند." این کلید یک اسلام پیشروست بازگشت به شرایطی که در آن تنها با خدا بیعت داشته باشیم. کوشش‌های آکادمیک شما (و به طور کلی دیگر "مسلمانان پیشرو") در صورت‌بندی دوباره فهم ما از اسلام، چه تأثیری بر برداشت‌های رایج داشته است؟ چه اقداماتی برای عمیق‌تر کردن این تأثیرگذاری باید صورت بگیرد؟ مسلمانان دیگر چه واکنشی نسبت به نوشته‌های شما نشان می‌دهند؟

تلاش‌های آکادمیک من در تربیت دانشجویانم، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، درباره کل گستره جهان اسلام موفق بوده است. کوشیده‌ام این گستره را به تفاسیر سنی، شیعی، صوفی، حنبلی، حنفی یا هر تفسیر دیگری محدود نکنم. در زندگی شخصی‌ام، کوشیده‌ام یک نمونه ساده باشم. نمونه‌ای که نشان دهد یک فرد می‌تواند یک مسلمان معتقد و در تقابل با قالب داده‌های رسانه‌های عمومی شمال آمریکا، یک انسان محجوب باشد. من نمی‌دانم علما چه واکنشی نسبت به نوشته‌های من داشته‌اند. فکر می‌کنم همه ما افرادی که فعالیت آکادمیک داریم، به‌خصوص افرادی مانند من که در دانشگاه‌های دین‌پژوهی تدریس می‌کنند، مسئولیت داریم، تلاش کنیم صدایمان خارج از آکادمی به گوش برسد. من می‌کوشم این کار را از طریق مصاحبه‌های عمومی متنوع و نوشته‌هایی که برای مخاطبان بیرون از فضای آکادمی آماده می‌کنم، انجام دهم.

کلیه مسلمانان فرانسه از دوویلین

تومینیک دوویلین نخست‌وزیر فرانسه در حالی یک یهودی و یک مسیحی را به عضویت کمیسیون ملی مشورتی حقوق بشر فرانسه منصوب کرد که مسلمانان فرانسه با وجود داشتن بیش از ۶ میلیون نفر جمعیت، تاکنون هیچ نماینده‌ای در این نهاد حقوقی ندارند. به گزارش روزنامه "رسمی" دولت فرانسه، نخست‌وزیر این کشور، ژان آرنولد، رئیس فدراسیون پروتستان‌های فرانسه و الیزابت کوهن تانوجی یکی از مسؤولان شورای نمایندگان نهادهای یهودی در فرانسه را به خاطر سوابقشان در زمینه حقوق بشر برای عضویت در این نهاد تعیین کرده است. نهاد کمیسیون ملی مشورتی حقوق بشر فرانسه که در سال ۱۹۴۷ میلادی فعالیت خود را با ۱۰ عضو شروع کرد، از سال ۱۹۸۴ فعالیت خود را گسترش داد و هم‌اکنون ۷۰ عضو دارد که به مدت سه سال انتخاب می‌شوند. وظیفه این نهاد مشورتی که تابع نهاد نخست‌وزیری فرانسه است تصویب تمامی مقررات و معاهده‌نامه‌ها قبل از تصویب در مجلس ملی فرانسه است و بر اجرای قوانین بشردوستانه و قوانین اساسی شهروندی نیز نظارت دارد.

باتوجه به تعداد زیاد مهاجرین مسلمان در فرانسه، آن‌ها در هیچ یک از مجالس سنا و ملی فرانسه نماینده‌ای ندارند.

دولت فرانسه در سال ۲۰۰۲ میلادی پذیرفت تا مسلمانان نیز از شورایی به نام "شورای آیین اسلام" برخوردار شوند تا بتوانند به عنوان نماینده مسلمانان در مراسم رسمی شرکت کنند.

ارگان واتیکان ۱۴۵ ساله شد

روزنامه "اوسرواتوره رومانو" (ناظر رومی) ارگان واتیکان ۱۴۵ ساله شد. نخستین شمار ارگان مرقمقدس (واتیکان) به صورت هفت‌نامه در سال ۱۸۴۹ میلادی در شهر رم منتشر شد.

"اوسرواتوره رومانو" در سال ۱۸۶۱ تبدیل به روزنامه شد و از سال ۱۸۷۰ به عنوان ارگان رسمی واتیکان انتخاب و در سال ۱۸۸۵ توسط واتیکان خریداری شد. پاپ فقید ژان پل دوم به مناسبت چهلمین سالگرد این روزنامه آن را "صدای هوشیار و مراقب فعالیت‌های پاپ خوانده بود.

روزنامه اوسرواتوره در دوران سخت مبارزه لیبرال‌ها علیه پاپ متولد شد و در رویدادهای مشکل، درباره موضوعات سیاسی، فرهنگی و زندگی مذهبی در رم ایفای نقش می‌کرد.

در حال حاضر مدیر مسؤول ارگان واتیکان "ماریو آگس" است و بهای هر نسخه آن یک یورو می‌باشد. اوسرواتوره رومانو که معمولاً در ۱۲ صفحه منتشر می‌شود، وسیله‌ای برای ارتباط با جهان خارج از واتیکان محسوب می‌شود.



کلیسا را به موسیقی مدرن آلوده نکنید

پاپ بندیکت شانزدهم خواستار حذف موسیقی مدرن از مراسم نیایش کلیسای کاتولیک و بازگشت به سرودهای سنتی شد.

به گزارش سایت موسسه گفت‌وگوی ادیان، رهبر کاتولیک‌های جهان گفت: "صدای گیتار باید از موسیقی مراسم نیایش عشای ربانی حذف شود."

پاپ در کنسرتی که توسط دومینکو بارتولوچی، مدیر موسیقی نمازخانه سیستم اجرا شده افزود: "می‌توان موسیقی مقدسی را که هنگام برگزاری مراسم نیایش نواخته می‌شود، به صورت مدرن درآورد، اما مدرن شدن موسیقی نباید موسیقی کلیسایی را از مسیر سنتی ترانه‌ها و سرودهای سنتی کلیسا یا آوازهای دسته جمعی گروه کر خارج کند."

کاتولیک‌هایی که از اظهارات پاپ حمایت کرده‌اند، معتقدند که موسیقی‌ای که هنگام مراسم عشای ربانی برگزار می‌شود، بخش مهمی از آیین عشای ربانی میان نیایش کنندگان و خداوند را تشکیل می‌دهد و موسیقی کلیسایی که در قرون وسطی ارائه شده، فضای کلیسا را برای حالت‌های معنوی شرکت کنندگان کلیسا آماده می‌کند.

متولی جدید بی بی سی برای برنامه‌های مذهبی

"مایکل واکلین"، جانشین آلن بوک بینر، در اداره امور مذهبی و قومی شبکه خبری بی بی سی، انگلیس شد.

به گزارش سایت مؤسسه گفت‌وگوی ادیان، به نوشته روزنامه کلیسای انگلیس، "واکلین" ۴۵ ساله که در ۵ سال اخیر مشغول به تولید آوازهای مذهبی بوده است، در حال حاضر ریاست موقت توسعه اداره امور مذهبی و قومی شبکه خبری بی بی سی را در دست دارد.

"کیت اسکولی"، کنترل کننده محصولات شبکه خبری بی بی سی، گفت: "مایکل دارای دانش بسیار زیاد و اشتیاق وافری برای این مقام است. مقام ریاست اداره امور مذهبی او را به فردی خارق‌العاده نه تنها برای تولید برنامه‌های مذهبی، بلکه برای تمام شبکه بی بی سی تبدیل خواهد کرد."

"تایجل مک کالوج"، اسقف "منجستر" هم از این انتصاب استقبال کرد و افزود: "من انتصاب مایکل را تبریک می‌گویم. او تجارب بسیاری در برنامه‌های موفق مذهبی و اخلاقی دارد. او بهترین شخص برای فهم چالش‌های فزاینده پیش‌روی برنامه‌های خلاقانه و ابتکاری در زمینه مذهب است."

واکلین یک واعظ غیرحرفه‌ای در فرقه مسیحی "متدیست" بود. وی در سال ۱۹۸۶ به عنوان محقق وارد شبکه رادیویی بی بی سی شد و از آن زمان تا کنون عهده‌دار برنامه‌های متعددی بوده است.